**باب دوم - لوح مبارک باعزاز احبای زنجان**

**هو الاقدس الاعظم**

بنام خداوند مهربان این نامه‌ایست از مطلع رحمن بسوی مظلومان ارض زنجان لعمری قد بکت السماء علی ما ورد علیکم و ناح الرعد بما رأیتم من الضراء و البأساء فی سبیل الله مالک الاسماء انتم الذین ابتلیتم بالله فاطر السماء لا تحزنوا ان اصبروا ان اجورکم عند ربکم سوف ترونها بالحق انه لهو المقتدر العلیم الحکیم مشاهده نمائید در نفوسیکه در هر سنه بر مظلومیت سید الشهداء روح ما سواه فداه و اصحاب او نوحه و ندبه مینمایند و بر ظالمان لعنت میکنند و خود بظلمی ظاهر شده‌اند که ظلم ظالمان قبل نزدش معدوم صرف بوده فی الحقیقة بر خود لعنت میکنند و شاعر نیستند و مطالع ظلم الیوم علماء عصرند که از حق اعراض نموده‌اند و بظنون و اوهام خود تمسک جسته‌اند قسم بآفتاب افق توحید که در اعصار قبل هم سبب ظلم امثال این نفوس شده‌اند چه که بفتواهای آن انفس غافله مطالع عز احدیه شربت شهادت را نوشیده‌اند نفوسی که با سید الشهداء محاربه نموده‌اند بعضی از نفوس بودند که در هر سنه سه ماه صائم بودند و شب و روز تلاوت قرآن مینمودند و نماز جماعت از ایشان فوت نمیشد از جمله عمر بن سعد که صاحب رداء و عمامه بود و بعد از شهادت سید الشهداء فورا بنماز ایستاد و کل باو اقتدا نمودند و شمر ذی الجوشن از قضات و علماء بود و زهدش بمقامی بود که خارها را از سبیل جمع مینمود که مبادا پای مسلمی را اذیت نماید مع این زهد با مخزن علم الهی و مهبط وحی ربانی عمل نمود آنچه نمود ان القلم ینوح و یبکی علی ما ورد علیه من هؤلاء الظالمین الذین نبذوا الیقین عن ورائهم و اتبعوا اوهام کل عالم بعید آنچه بر شما وارد شد اگر چه بظاهر نقمت مشاهده میشود و لکن نعمت محضه بوده و رحمت صرفه خواهد بود شوکت و سطوت ظالمین عنقریب معدوم و مفقود خواهد شد و اجر عمل شما در ملک مالک اسماء باقی و دائم خواهد ماند ظلم عالم و فتنه و فساد آن از جهلائیکه بعلماء موسومند بوده و خواهد بود اینفضل شما را کافی است که قلم اعلی شما را ذکر مینماید باذکاریکه عرف ان لم یزل و لا يزال باقی و دائم خواهد ماند الحمد لله از فضل الهی و عنایت ربانی از رحیق مختوم آشامیدید و بمشرق وجه صمدانی بعد فناء اشیاء توجه نمودید و در عرفان حق از اکثر اهل عالم سبقت گرفتید و ذکرتان در ملأ اعلی مشهود و اسمتان از قلم اعلی مسطور باید بکمال فرح و انبساط بذکر حق مشغول باشید و بافقش ناظر انما البهاء علیکم و علی اماء الله اللائی استقمن علی امره و فزن بعرفان نفسه المهیمنة علی العالمین